هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

آنچه همه‌ی مردم ، همه‌ی ما که در این دنیا زندگی می‌کنیم، می‌خواهیم، آرزو می‌کنیم، در راهش زحمت می‌کشیم به‌دست بیاوریم، علی داشت و به خدمتش آمد، توجّه نکرد.

همین خلافت که این همه جار و جنجال برایش در جهان به پا شده، جلوی پای علی بود، نخواست. حتّی علی کفش کهنه‌اش را داشت پینه‌دوزی یا تعمیری می‌کرد از ابن‌عباس که با هم پسرعمو بودند، پرسید: این کفش من به نظر تو چند می‌ارزد؟ کفش کهنه‌ی پاره‌ای که ما، در اینجا داشته باشیم، می‌اندازیم در آشغالی و چه بسا آن کسی که این چیزها را تهیّه می‌کند، اصلاً آن را نخرد، قیمت ندارد. این کفش علی بود. ابن‌عباس چه بگوید؟ می‌گوید: نه تنها این کفش هیچ قیمتی ندارد بلکه یک چیزی هم باید رویش بگذاری تا یکی بگیرد، قبول کند. گفت: مثلاً یک‌تومان، ده‌تومان. علی علیه‌السلام گفت: خلافتِ شما در نظر من، قیمتش از این هم کمتر است. این خلافتی که ما برایش این همه جار و جنجال می‌کنیم، آدم می‌کُشیم، محروم می‌کنیم. علی بعدها وقتی بانگ مؤذّن بلند شد که: اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ‌الله، ضمن مکالمه و در پاسخ دخترِ نور چشم پیغمبر یعنی فاطمه، فرمود می‌خواهی که این نام مُحَمَّداً رَسُولُ‌الله الی‌الابد گفته بشود به بزرگواری؟ فاطمه علیهاالسلام هم که جفت او بود، خداوند اینها را مقابل هم و مثل هم قرار داده بود. عرض کرد: بله. فرمود: اگر می‌خواهی باید شمشیر علی غلاف بشود. شمشیر علی اگر بیرون باشد، ذوالفقارش کار می‌کند ولی همه نگرانیم از آنکه این شمشیر را به‌دست می‌گیرد. همانطوری که بعدها فرزندش یا فرزندانش این معنی را بیان فرمودند که هر روزی مثل عاشوراست و هر زمینی مثل کربلاست. «هر روز» یعنی روزهای گذشته و بعد هم هست و در واقع آن بیان علی را فرمود. شمشیر علی دیدیم همانوقت غلاف شد. علی در غلاف گذاشته بود ولی به‌خاطر احترام و محبّت به فاطمه علیهاالسلام. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۴/۲/۱۲، جلسه برادران ایمانی)

*****

نام علی و سیزده رجب کافی است که نحوست را از عدد سیزده بردارد بنابراین اگر سیزده فروردین هم ما سیزده به در می‌کنیم آن سیزدهی که با علی در می‌افتد، آن سیزده را به در می‌کنیم ولی سیزده رجب را به در نمی‌کنیم. از سیزده رجب می‌خواهیم که در را باز کند، همه‌ی ما شیعیان یعنی مسلمانان خالص را بپذیرد. در مورد اسلام خدا در قرآن می‌فرماید: لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ (سوره توبه، آیه ۳۳/ سوره فتح، آیه ۲۸/ سوره صف، آیه ۹) که بر همه‌ی دین‌ها غلبه کند یعنی جامعیّت دارد نه اینکه دعوا

دارند، غلبه کند مثل حالا. حکومت‌ها، هر حکومتی بر مخالفین خود غلبه می‌کند. مثل عقاب که یک لاشی گیر می‌آورد می‌خورد، غلبه می‌کند ولی اینطور غلبه نه! غلبه‌ای که در بر می‌گیرد، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، جامعیّت در اسلام است که هم به دین بپردازد و هم به قلب بپردازد و هم به زندگی عادی. حقیقت دین در تشیّع است یعنی آن جمعیت بشر، روی کره‌ی زمین را گرفته طاقت تحمّل احکام دین را ندارد و حتّی عدّه‌ای که از خیلی از فشارهای ظاهراً فشار دینی (ولی دین نبود فشار بیاورد) از اینها ناراحت شدند و می‌گفتند این چه اسلامی است؟ این چه شیعه‌ای است؟ از شیعه‌ها، گروهای مختلفی جدا شدند. در تاریخ، عیّاران یک گروهی هستند که شنیدید: «عیّار». خیلی از همین اسم‌ها هست که شنیدید ولی اصل و واقعیت تشیّع در ائمّه‌ی دوازده‌گانه و شیعه‌ی واقعیِ اثنیٰ‌عشری بود و شیعه‌ی اثنیٰ‌عشری را به همان طریقی که می‌بینیم در دنیا چقدر بد جلوه دادند.

این است که خلاصه‌ی معنویِ تشیّع در تصوّف است که حتّی خیلی از مورّخین، از نویسندگان در کتاب‌هایی نوشته‌اند: تشیّع همان تصوّف و تصوّف همان تشیّع است یعنی عاداتِ معنوی آن. امّا تشیّع. تشیّع یعنی استنتاج و استخراج دستورات الهی، دستورات واقعی اسلام به‌دست ائمّه‌ی اثنیٰ‌عشر علیهم‌السلام و این را برای اطمینان خاطر ما هم فرمودند که به امام دوازدهم دیگر دسترسی ندارید که مثل آنهای دیگر بکشید. اینقدر شیعیان و ائمّه‌ی گذشته را کُشتید، به این دسترسی ندارید، دور از شما مراقبتان است، مواظب باشید. با این وجود مع‌ذلک خیلی‌ها شرم نکردند. امیدوارم ما از زمره‌ی آنهایی باشیم که علی از اوّلی که به دنیا آمد، ما را مورد توجّه قرار بدهد. علی مجسّمه‌ی اسلام بود، مسلمان نمی‌شود گفت، اصلاً اسلام بود. علی علیه‌السلام آنچه کرد و آنچه گفت و آنچه خواست، عین اسلام بود ولی همین اسلامی که آن مسلمانان دیده بودند که علی چه فداکاری‌ها می‌کند و پیغمبر چه توجّه خاصّی به علی علیه‌السلام دارند و پیغمبر با صراحت فرمودند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، خدایا! دوستانش را دوست بدار و با دشمنانش دشمنی کن. همین علی را به نام جدا شدن از اسلام و انحراف، به قتل رساندند.

وقتی به علی گفتند: از چه ناراحتی؟ چه کسانی بد هستند؟ فرمود: دو گروه. یک گروه آنهایی که کفر می‌ورزند، گروه کفّار و یک گروه، گروهی که مبالغه می‌کنند. شما تصوّر نکنید که همه‌ی دشمنان علی کافر بودند، نه! مسلمان بودند. علی علیه‌السلام هم حکم اسلام در موردشان جاری کرد، یک شب علی علیه‌السلام داشتند شب‌گردی می‌کردند در جنگ جَمَل که فردا قرار شد جنگ شروع بشود. یک صدای قرآن خیلی زیبایی شنید، صدای قرآن با قرائت صحیح. (آنهایی که فقط به قرائت توجّه می‌کنند به این داستان توجّه کنند). با قرائت صریح و خیلی قشنگ آیات قرآن را می‌خواند بطوری که آن شخصی که همراه علی علیه‌السلام بود مجذوبِ این صدا شد. به علی عرض کرد: این صدای قرآن را می‌شنوید چقدر قرآن را قشنگ می‌خواند؟ شاید هم مثلاً یک دعایی دنباله‌اش می‌گفت، علی فرمود: حالا صبح فردا خواهی دید. این دیگر نپرسید: من که چیزی نگفتم، که گفتید فردا خواهی دید! فرمایش علی را شنید، فردا شد در کشته‌ها می‌گشتند آنهایی که در جنگ با علی کشته شده بودند در

دشمنیِ علی. به یک جایی رسیدند، به یک نفری که افتاده بود، علی علیه‌السلام گفت: این (یکی از کشته‌ها) قرآن خواند. خوارج می‌گفتند: علی از دین رفته بیرون. این چه دینی است که علی رفته بیرون؟ اگر علی از دین بیرون رفته و اگر دوستان علی را بیرون می‌کنند در این صورت خیلی‌ها از دین بیرون می‌روند. آن دینی که علی را نپسندد، علی از دینش بیرون برود.

ان‌شاءالله خداوند ما را در دنیا و آخرت دنباله‌روی علی قرار بدهد، نگذارد یک قدم کج برویم.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۴/۲/۱۲، جلسه خواهران ایمانی)

*****

هیچ کاری بدون علّت در واقع نمی‌شود، چرا، از نظر ما خیلی می‌شود ولی همانی را که ما بدون علّت می‌گیریم، بدون علّت نیست، امر خداست یعنی خداوند این نیروهایی که آفریده و در خدمتش هستند، این نیروها این عوامل بگوییم، این فرشتگان، این چیزها خودشان یک دستوراتی انجام می‌دهند. ما، در وسط آن دستورات هستیم. خود خداوند هم گفته، ما اگر طبق دستورات خداوند رفتار کنیم، تا آنجایی که بستگی به این نیروها دارد، نجات پیدا می‌کنیم. مثل بهداشت فرض کنید، بهداشت را وقتی رعایت می‌کنید یا این پرهیزهای غذایی را رعایت می‌کنید، سلامتی‌تان تأمین می‌شود ولی این سلامتی‌تان مال آن نیست. آن سلامتی‌تان مال خداوند است که به آن نیرو را داده و این قدرت را داده که بگردد به شما. اینجاست که ما این قاعده را در فیزیک هم داریم، در ماوراء فیزیک هم داریم، ماوراءالطبیعه هم داریم که هیچ چیزی اصلاً فراموش نمی‌شود. خداوند هم می‌فرماید: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (سوره زلزله، آیه ۷) به اندازه‌ی وزن یک ذرّه، خوبی داشته باشید حساب می‌کند، بدی داشته باشید، حساب می‌کند. منتها تفاوت آن این است که خوبی را به نفع خود شما حساب می‌کند، بدی را در اختیار خودش است. ممکن است به‌کلّی همه‌اش را ببخشد، البتّه آن هم خداوند بی‌جا نمی‌بخشد، بلکه یک جهاتی دارد. مثلاً این رفتار خوبی، این جهاتی هم که گفتند اگر این کار کنید مثل هفتاد بار مکّه رفتن است، نه! اینطوری نیست که مثل هفتاد بار. همان یک‌بار مکّه هم اگر داشته باشید، برای‌تان واجب شده باشد و یکی از این کارهای هفتاد بار مکّه بکنید، آن یک‌بار از بین نمی‌رود، آن باید انجام بشود. تعبیر اینها هم این است که می‌گوید: به‌اندازه‌ی هفتاد بار مکّه است یعنی اینقدر ارزش دارد، اینقدر ثواب دارد بنابراین سعی کنید از هیچ چیزی اوّلاً فراموش نکنید. خوبی را ولو یک ذرّه‌ی کم باشد، از دست ندهید چه بسا همان ذرّه‌ی کم خیلی مفید باشد یا خدای‌نکرده مضرّ باشد.

این خوبی و بدی، این بزرگی و کوچکی از نظر ماست، در عالم همه یکی هستند یعنی فیل، همان خصوصیت را دارد که این مورچه دارد و اگر فیل را مزاحمت فراهم کنید چون فیل خودش قدرت دارد، جواب‌تان را می‌دهد ولی مورچه را مزاحمت فراهم کنید، اربابش که خداست، جواب‌تان را می‌دهد و به همین حساب هم گفتند: از هیچ چیز فراموش نکنید، مبادا یک مورچه‌ای زیر پای‌تان بیاید که حالا به مناسبت یادم آمد این آیه‌ی قرآن است که وقتی حضرت سلیمان با قشونش از این

وادی مورچگان رد می‌شد، شنید که رئیس مورچه‌ها، پادشاه مورچه‌ها به مورچه‌ها گفت: زود بروید در لانه‌های‌تان، سلیمان دارد از اینجا رد می‌شود، مبادا بدون توجّه، بدون شعور (نه اینکه بدون فهم) بدون آگاهی، ندانسته یکی از شماها را زیر لگد بگیرد. از این داستان ما فقط اینقدر نتیجه باید بگیریم که مبادا مورچه‌ای را زیر پا له کنیم چون حضرت سلیمان اینطور نبود. از همه‌ی پیغمبران یک چیزهایی می‌گوید برای اینکه ما هم یاد بگیریم.

خداوند وقتی بخواهد از چیزی که ما نمی‌بینیم، انفجار ایجاد می‌کند. به‌همان‌طریق هم از چیزی که نمی‌بینیم، آسایش و آرامش می‌دهد. چرا می‌دهد؟ چرا این کار را می‌کند؟ خودش یک دستوراتی داده. البتّه غیر از واجبات و اعمال است که همه می‌دانیم، در کتاب‌های فقهی نوشته: نماز است، روزه و حج و این عبادات. مثلاً گفته است که به پدر و مادر خیلی احترام بگذارید؛ فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ (سوره اسراء، آیه ۲۳) حتّی یک اف به آنها نگویید که اگر غیر از همه آنهایی باشید که اف می‌گویند و به طیب خاطر با پدر و مادر رفتار کنید، ما هم این پاداش را به شما می‌دهیم.

بنابراین جزئیات آن دستوراتی که دادند، به‌خصوص دستوراتی که جنبه‌ی اخلاقی و رفتاری دارد را رعایت کنید. در واقع این احکام شریعتی، احکامی هم که ما داریم، اینها برای این است که یک مقداری شیاطین انس و جن را از ما دور کند و قدرت‌مان بر انجام وظایف بیشتر بشود والّا خیلی دستورات اخلاقی و اینها هستند که اصلاً توجّه نمی‌کنیم، به ما هم توجّه نمی‌دهند. یکی همین احترام پدر و مادر است. یکی مسأله‌ی اسراف، کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یحِبُّ الْمُسْرِفِینَ(سوره اعراف، آیه ۳۱) إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کانُوا إِخْوانَ الشَّیاطِینِ (سوره اسراء، آیه ۲۷) اینها برادران شیطان هستند. اینکه مهمتر از این است که یک وعده نماز کسی قضا بشود یا نشود. قضا بشود می‌رود از نو می‌خواند، یکی دیگر می‌خواند، صد تا می‌خواند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، ۱۳۹۴/۲/۱۳)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.